

جایگاه تقیه در فعالیت های اطلاعاتی

یوسف ترابی^۱

چکیده

زمینه و هدف: مسئله‌ای که تحقیق حاضر درصدد بررسی آن است، عبارت از تبیین جایگاه «تقیه»؛ در فعالیت‌های اطلاعاتی است. دقت در سیره سیاسی پیامبراکرم(ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام و آرای فقها، اعم از شیعه و سنی، حاکی از اهمیت شایان توجه رازداری، کتمان اسرار و حفاظت از خود و اطلاعات دارای اهمیت در برابر دشمنان در زندگی است و «اصل تقیه»؛ به‌مثابه یک سازوکار و همچنین روش کارآمد، در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی، کاربردهای ارزشمندی دارد. «تقیه» به‌مفهوم پوشیده داشتن اعتقادات و باورها از رقیب و دشمن احتمالی و ترسیدن از خطر و اقدام به رفتار و واکنش مناسب در برابر تهدیدات است. کاربرد تقیه در فقه اسلامی و در آراء فقها مبتنی بر قواعد فقهی: اکراه و اضطرار، الهم فالاهم، و مرتبط با اصولی مانند: رازداری و کتمان اسرار، توریه و مصلحت است.

روش‌شناسی: تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با بهره‌گیری از روش‌شناسی توصیفی، تحلیلی و بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد و محقق با استفاده از داده‌ها و اطلاعات موجود در قرآن، سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام و فقهای اسلام به تجزیه و تحلیل داده‌ها و تشریح جایگاه تقیه در فعالیت‌های اطلاعاتی می‌پردازد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اصل تقیه با تکیه بر قواعدی مانند الهم فالاهم، توریه، رازداری، کتمان سر، اکراه، اضطرار و مصلحت؛ سازوکاری مهم برای مصون‌سازی خود و سازمان از خطرهای احتمالی دشمن است و فقهای شیعه به‌طور اجتماعی کاربرد آن را مبتنی بر قواعد فقهی در فعالیت‌های اطلاعاتی جایز تلقی کرده‌اند. کلیدواژه‌ها: تقیه، فعالیت‌های اطلاعاتی، توریه، مصلحت، رازداری، قاعده لاضرر، قاعده اکراه.

^۱ . دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین (رایانامه: tutorabi14@gmail.com).

مقدمه

در جهان بینی توحیدی، اسلام به مثابه یک نظام فکری جامع و کامل، هدفش تربیت و پرورش انسان‌های موحد و صالح و همچنین تکوین جامعه صالحان و تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها در مسیر الی‌الله، از طریق عبودیت و بندگی خدای تعالی است. اسلام به عنوان یک منظومه فکری، دارای نظام‌ها و سامانه‌های مبتنی بر عقلانیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، قضایی، امنیتی و دفاعی بوده و برنامه‌های کاربردی را، با رویکرد ساختاری، برای حفظ امنیت در ابعاد و سطوح مختلف و آرامش روحی- روانی مردم و مراقبت از آنان در برابر تهدیدات مختلف داخلی و خارجی تمهید نموده است و با عقل سلیم به طور وضوح، هرج و مرج، فساد اجتماعی، ناامنی، شیوع فحشا، ظلم و منکرات را تقبیح کرده و مبارزه با اضمحلال نظم و ایجاد هرج و مرج و فساد و منکرات را لازم می‌داند (احمدی میانجی، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

اسلام نه تنها از نظر عقیدتی دارای روش‌های خاص اطلاعاتی است، بلکه تاریخ نشان می‌دهد که عملاً این روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: «جاسوسانی را از اهل صدق و وفا، کسانی که راستگو باشند و به پیمان‌های خود وفادار بمانند، برای بررسی و نظارت بر امور مسلمین قرار ده، زیرا پیگیری پنهانی تو نسبت به امور موجب امانت‌داری مأموران می‌شود (حسینی، ۱۳۶۷: ۲۰).

در سامانه دفاعی و امنیتی، اطلاعات، کسب خبر، تجزیه و تحلیل هوشمندانه آنها و همچنین حفاظت از اخبار و اطلاعات طبقه‌بندی شده و اسرار، در کنار صیانت از حریم

امنیت هستی‌شناختی سامانه و نیروهای انسانی در ابعاد مختلف مادی و معنوی، از جمله مسائل حائز اهمیت و بسیار مهم تلقی می‌شوند.

ضرورت‌ها و الزامات مزبور، علاوه بر این که مبنای علمی و عقلانی دارد، دارای مبانی شرعی مبتنی بر اصول و قواعد فقهی نیز هست و بر مبنای قاعده بسیار مهم تلازم «عقل و شرع»؛ بسیاری از قواعد، اصول و مبانی فعالیت‌های اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی دارای مبانی صائب و متین شرعی است. از جمله سازوکارها و روش‌های مهم فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی، که دارای کاربرد وسیعی است، مقوله «تقیه» می‌باشد و شناخت ابعاد مختلف و آثار و نتایج ناشی از آن می‌تواند گره‌گشای بخشی مهم از تنگناها و موانع و مسائل فراروی فعالیت‌های اطلاعاتی بوده و به حفظ اسرار و همچنین به حفظ نیروهای انسانی و پیشبرد اهداف اطلاعاتی کمک شایان توجهی نماید.

مسأله‌ای که این تحقیق به دنبال بررسی و مطالعه علمی آن می‌باشد، عبارت است از: «بررسی جایگاه تقیه در فعالیت‌های اطلاعاتی» و محقق، تلاش دارد تا با بهره‌گیری از متون و منابع اسلامی اعم از قرآن، سیره ائمه معصومین علیهم السلام و آرای متفکران و فقهای بزرگوار مسلمان و به خصوص شیعه، به تبیین جایگاه تقیه در فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی بپردازد. در همین رابطه مهم‌ترین سؤال‌های مطرح عبارت‌اند از:

۱- تبارشناسی تقیه، از منظر فقه شیعه؛

۲- گستره مفهومی تقیه در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی اسلامی؛

۳- کارکردها و نقش‌های تقیه در پیشبرد اهداف اطلاعاتی و امنیتی.

سؤال‌های تحقیق

۱- تقیه در آموزه‌های فقه اسلام به چه معنایی است؟

۲- گستره مفهومی و انواع تقیه در فقه اسلامی و تشیع چگونه است؟

۳- کارکردها و نقش‌های تقیه در پیشبرد اهداف اطلاعاتی و امنیتی چگونه است؟

روش‌شناسی تحقیق: با مد نظر قرار دادن هدف اصلی و سؤال‌های بالا، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات اکتشافی بوده و پایه علمی یک تحقیق کیفی است. برای انجام

تحقیق، محقق با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و مدارک موجود، به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مرتبط پرداخته و با تجزیه و تحلیل آن، که به روش تفسیر متون انجام می‌گیرد، به تبیین موضوع خواهد پرداخت.

مبانی نظری: پیشینه تحقیق: در خصوص «تقیه»؛ تحقیقات و پژوهش‌هایی با رویکرد معنا شناختی و همچنین اهمیت آن در فقه اسلامی، به‌ویژه فقه پویای تشیع، انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- رساله فی التقیه، ۱۳۷۲ هجری قمری، امام خمینی، قم؛
- تقیه در شرایع پیشین و اسلام، ۱۳۸۹، آیت الله جعفر سبحانی، مجله تخصصی کلام اسلامی، سال نوزدهم، شماره مسلسل ۷۴؛
- تقیه سیاسی، ۱۳۸۳، حجت الاسلام محی‌الدین فاضل هرنندی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۵ بهار ۱۳۸۳؛
- تقیه، تاریخچه و احکام آن در اسلام، ۱۳۸۱، یداله نصیریان، مجله مقالات و بررسی‌ها شماره اول؛

- تقیه در قرآن و نقش آن در انسجام اسلامی، ۱۳۹۲، حسین مطیع، نشریه کوثر؛
 - تقیه مداراتی زمینه‌ساز وحدت اسلامی، ۱۳۶۵، آیت الله محمد فاضل لنکرانی.
- ۲- تبارشناسی تقیه و انواع آن: برای شناخت مفهوم «تقیه» از منظر لغت‌شناسی، تقیه از ریشه «وقی - یقی» به معنای نگهداشتن و خودداری و حذر کردن است و اسم فاعل «واق» در آیات شریفه: «وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (رعد، ۳۴) و همچنین «فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر، ۲۱)؛ به معنای نگاه‌دارنده و مراقبت‌کننده است. تقیه اسم مصدر است از باب اتقی، یتقی، اتقاء و اسم مصدر دلالت دارد بر ماحصل از معنای مصدری که حدث منتسب به فاعل باشد و از آن یک معنایی حاصل می‌شود که دیگر انتساب به فاعل ندارد، بلکه به نفس و حاصل حدث دلالت دارد، مثل: شستشو، گفتار، کردار و ریشه لغوی تقیه، لفیف و از ریشه «وقی» مشتق است (فاضل هرنندی، ۱۳۸۳: ۹۸). در این حالت تقیه، نتیجه مراقبت و محافظت است و آن عبارت

است از حفظ و مراقبت کردن از خود در برابر تهدیدات و خطرهای تقیه از «وقایه» اخذ شده و معنای لغوی آن «سپر» است (سبحانی: ۱۳۸۹).

مفهوم اصطلاحی تقیه، یعنی تحفظ از شر دشمن در مقابل انجام دادن عملی که آن عمل میل من نیست، اما برای محافظت از ضررها یا شر طرف مقابل، آن عمل انجام می‌پذیرد و به عمل انجام شده «متقی به» می‌گویند. مرحوم شیخ انصاری در مکاسب، درباره تقیه می‌فرماید: «تقیه عبارت است از تحفظ از دشمن در مقابل انجام دادن عملی یا قولی که آن عمل و قول، خلاف حق باشد». اما بسیاری از فقها این قید (خلاف حق بودن) را لازم نمی‌دانند و می‌گویند: گاهی فعلی مطابق میل آدم نیست، ولی طبق واقع است. مثلاً منافقی که برای حفظ جان و موقعیتش نماز می‌خواند این نماز، «متقی به» است و مطابق میل او هم نیست، اما در عین حال فعل نماز، خلاف حق نیست، بلکه عین حق است. پس می‌توانیم بگوییم چون منافق تقیه دارد، کافر هم تقیه دارد و این خلاف حق بودن، شرط نیست (فاضل هرندی، ۹۸:۱۳۸۳).

شهید اول «محمد ابن مکی عاملی» در تعریف تقیه می‌نویسد: «تقیه، رفتار با مردم به گونه‌ای که نزد آنان پسندیده است و ترک آن چیزهایی است که نزد آنان ناپسند است، به منظور مصون ماندن از فتنه‌ها و گرفتاری‌هایی که آنان ایجاد خواهند کرد (مکی عاملی: ۱۵۵). تفاوت تقیه با نفاق: تقیه با نفاق دارای تفاوت‌های آشکاری است گرچه ظاهر آن با همدیگر دارای شباهت است، به این معنا که در ظاهر، فاعل و اقدام کننده در هر دو مورد کتمان واقعیت نموده و تظاهر به یک واقعیت دیگر می‌کند که میل واقعی‌اش آن نیست، اما در محتوا و کیفیت تفاوت اساسی با همدیگر دارند. تقیه پنهان کردن ایمان به حق و تظاهر به کفر و باطل است در حالی که نفاق پنهان کردن کفر و باطل و تظاهر به حق و ایمان است (سبحانی: ۱۳۸۹). قرآن آن‌گاه که سخن از منافقان می‌کند، آنها را دروغگو خطاب می‌نماید: «ای پیامبر هنگامی که منافقان نزد تو آمده، گفتند که ما گواهی می‌دهیم که واقعاً تو رسول خدایی، در حالی که خدا می‌داند که تو واقعاً فرستاده او هستی و خدا گواهی می‌دهد که منافقان واقعاً دروغگو هستند».

تقیه در قرآن کریم: خدای تعالی در قرآن کریم، به منظور توانمندسازی مؤمنان و ضرورت آینده‌نگری آنان برای مواجهه و مقابله با تهدیدات و خطرهای دشمنان، توصیه‌های حکیمانه و هوشمندانه‌ای را در قالب‌ها و اشکال مختلف بیان کرده است. یکی از آیات قرآن که حاوی این نکات مهم و اساسی است، عبارت است از آیه ۶۰ سوره انفال (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...؛ در این آیه بر تدارک و پیش‌بینی تمامی موارد برای مقابله با دشمن از قبیل: نیروهای انسانی کار آزموده و اسب و شتر تأکید شده است تا در نتیجه این پیش‌بینی و آینده‌نگری، دشمنان آشکار و سایر دشمنانی که پنهان و مخفی هستند و خدای تعالی نسبت به آنان آگاهی دارد در حالی که شما آنان را نمی‌شناسید، به وحشت و هراس افتاده و در دشمنی خود نسبت به مسلمانان و مؤمنان سست و تضعیف گردند.

در آیه ۷۱ سوره نساء خدای تبارک و تعالی به مؤمنان امر می‌کند تا سپر احتیاطی را برای مصون ماندن از دشمن به خود برگینند، آنجا که می‌فرماید: «ای مؤمنان سلاح و زره بگیرید و دسته‌دسته یا به‌طور همگانی به‌سوی جبهه‌ها بشتابید»؛ کلمه (حذر) در این آیه به معنای ترس و احتیاط و دوری جستن به‌کار رفته است (احمدی میانجی، ۲۰۱۳: ۲۰۸۴).

بررسی در قرآن کریم نشان می‌دهد که کلمه «تقیه» در این قالب یک مورد در قرآن به‌کار رفته است. خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره شریفه آل عمران می‌فرماید: «مؤمنان نباید کافران را به‌جای انسان‌های مؤمن به دوستی و سرپرستی خود بگزینند و هر که چنین کند پیوندی با خدا ندارد مگر این که از آنها بپرهیزد و به‌خاطر هدف‌های مهمتر تقیه کند خداوند شما را از نافرمانی خود بر حذر می‌دارد و بازگشت همگان به‌سوی اوست». دقت در آیه مزبور نشان می‌دهد که دوستی با کافران و به سرپرستی گرفتن آنان به شکل کلی آن ممنوع بوده و موجب قطع رابطه با خدای تعالی است و در ادامه آیه، استثنایی بر این حکم کلی وارد شده است و آن گروهی است که از روی تقیه با کافران تظاهر به دوستی می‌کنند در حالی که دلشان با آنان نیست و این کار جز سپری

در برابر ضررهای احتمالی مخالفان چیزی نیست (سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۹). همچنین در داستان شکنجه شدن عمار و یاسر، صحابی بزرگوار پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص)؛ توسط مشرکان مکه که در آیه ۱۰۶ سوره نحل در قرآن آمده است، شیخ طوسی شأن نزول این آیه را در مورد عمار و یاسر می‌داند، آنگاه که مشرکان مکه او را شکنجه کرده و او با آنکه قلبش مملو از ایمان بود، ناچار و به‌ظاهر از رسول اکرم و اسلام برگشت و مشرکان دست از کشتن او برداشتند، عمار گریان نزد پیامبر آمد و حضرت از او پرسید ای عمار آیا قلبت سرشار از ایمان است؟ عمار گفت بلی یا رسول الله با اطمینان، قلب من سرشار از ایمان است. و این آیه در شأن عمار نازل شد.

واکاوی مفهومی تقیه برای حفظ جان در برابر کفار به مصادیق دیگر: بررسی‌ها نشان می‌دهد که تقیه ابتدا در ادبیات قرآنی، اختصاص به حفظ جان در برابر کافر و تظاهر به کفر دارد و رفته‌رفته دامنه مفهومی آن گسترش یافته و به مصادیق و موضوعات دیگری نیز تعمیم یافته است. در این رابطه آیت‌الله سبحانی می‌نویسد: تقیه به معنای تظاهر به کفر در مقابل کافر، مورد پذیرش همه فرقه‌های اسلامی است، ولی سخن دیگر آن است که تقیه شیعه در مقابل کافر نیست، بلکه در مقابل مسلمان و مؤمن است. در داستان عمار یاسر و سخن پیامبر (ص) نیز مورد تقیه در برابر کافر است، ولی از آنجا که غرض از تقیه حفظ جان و عرض و مال مؤمن است، ناچار باید تقیه را در این موارد مشروع و قانونی بدانیم. فرض کنید حاکم مسلمانی هست که برای خود افکار و عقایدی دارد که با افکار دیگر طوایف یا طایفه خاصی هم‌خوانی ندارد و اگر فرد مؤمن در محیط حکومت او، با او همکاری نکند و به راه و روش واقعی خود ادامه دهد، چه بسا ممکن است جان و مال او به خطر بیفتد و بلایی فراگیر شامل حال او گردد. اصولاً اگر در کشورهای اسلامی نسبت به همه فرقه‌های اسلامی آزادی حاکم باشد هرگز تقیه مفهومی نخواهد داشت، زیرا در این صورت افراد از آزادی کامل برخوردار بوده و دیگر دلیلی بر کتمان نخواهند داشت. اما اگر در کشور آزادی مصادره شود و جز دین حاکم و آراء و افکار او چیزی به رسمیت شناخته نشود، گروه‌های دیگر ناچارند در ظاهر با آن

تفاهم کنند. این مطلب، چیز جدیدی نیست و دانشمندان پیشینیان، مفهوم تقیه را گسترش داده و حتی تقیه مسلمان از مسلمان را تجویز کرده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۲).

فخر رازی در تفسیر آیه «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آیه ۲۸ سوره آل عمران)؛ می‌نویسد: «ظاهر آیه تقیه مؤمن از کافران قدرتمند است، ولی مذهب شافعی از این وسیع‌تر است و آن این که هرگاه مسلمانی با مسلمان دیگر، همان حالت را پیدا کرد که با کافران دارند، در آن صورت تقیه برای حفظ جان مشروع خواهد بود»؛ سپس اضافه می‌کند: «تقیه برای حفظ جان است». آیا برای حفظ مال هم تقیه مشروع است؟ پاسخ می‌دهد: «محتمل است آن هم جایز باشد، زیرا پیامبر فرمودند: " مال مسلمان به سان خون او محترم است و نیز فرمودند: " کسی که در راه حفظ مالش کشته شود شهید راه خدا محسوب می‌گردد» (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۳).

انواع تقیه: بررسی‌ها نشان می‌دهد که تقیه به اعتبارها و ملاک‌های متفاوتی تقسیم‌بندی شده است که در این مجال به بررسی برخی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

اول- تقسیم‌بندی شیخ مفید: شیخ مفید تقیه را بر مبنای احکام پنج‌گانه تکلیفی تقسیم‌بندی کرده است و بیان می‌نماید که تقیه به تقیه واجب، تقیه حرام، تقیه مستحب، تقیه مکروه و تقیه مباح تقسیم‌بندی می‌شود. شایان توجه است که این الگوی ایشان در آثار فقهای بعد از او مانند شهید اول در کتاب «القواعد والفوائد» مشهود می‌باشد.

۱- تقیه واجب: اگر فعل «متقی به»؛ به ازای اموری است که شرع مقدس بر آن الزام کرده و فرموده، واجب است آن را رعایت کند. در این صورت، هر امر واجبی که موجب انجام گرفتن یک فعل الزام‌آور باشد، آن فعل هم بر ما واجب است، مثل حفظ جان. حال اگر حفظ جان متوقف بر این باشد که نماز متکفلاً (دست‌بسته) بخوانیم یا فلان عمل را طبق نظر مخالفان انجام دهیم، قهراً آن فعل هم واجب می‌شود چون «مَا لِيُمْكِنَ وَلَمْ يَتَحَصَّلِ الْوَجِبُ إِلَّا بِهِ» هم واجب است.

۲- تقیه مستحب: مانند اینکه در مسجد الاحرام پشت سر عامی نماز جماعت خوانده شود، کسی که در این نماز شرکت کند مطابق برخی روایات گویا پشت سر پیامبر (ص) نماز خوانده است، این تقیه مداراتی است.

۳- تقیه مباح: یعنی هم می‌توان تقیه کرد و هم می‌توان تقیه نکرد، مانند موارد و مصادیق تقیه مداراتی.

۴- تقیه مکروه: یعنی انجام آن از باب کراهت است، حضرت امیرالمؤمنان (علی‌ع) فرمودند: «زود باشد که شما را مجبور کنند که مرا سب کنید و زود باشد که شما را امر کنند از من تبری بجوید».

۵- تقیه حرام: در همه روایات آمده است که تقیه همه جا هست مگر در مورد «خون» و اگر خون مسلمانی در خطر باشد تقیه حرام است (فاضل هندی، ۱۳۸۳: ۱۰۰).
دوم- تقسیم‌بندی کاشف‌الغطاء: ایشان در کتاب کشف‌الغطاء تقیه را، به اعتبار موضوع تقیه، به تقیه بر اساس تقیه‌کننده (متقی)؛ تقیه بر اساس تقیه‌شونده (متقی‌منه)؛ تقیه بر اساس مورد تقیه (متقی‌فیه)؛ تقیه بر اساس کیفیت و شکل تقیه و تقیه بر اساس انگیزه و علت تقیه، تقسیم‌بندی می‌کنند.

سوم- امام خمینی (ره): حضرت امام خمینی (ره)؛ در کتاب «رساله فی التقیه»؛ تقیه را از نظر «ذات»؛ به تقیه خوفی و تقیه مداراتی تقسیم کرده و سپس به بیان تقسیم از حیث تقیه‌کننده (متقی) و تقیه‌شونده (المتقی‌منه) و مورد تقیه (المتقی‌فیه) می‌پردازند.
همچنین برخی دیگر از فقهاء تقسیمات گسترده‌تری دارند مانند: تقیه خوفی، تقیه اکراهی، تقیه کتمانی، تقیه مداراتی.

۱- تقیه خوفی: عبارت است از انجام اعمال و عبادات، برابر فتاوی اهل سنت و در محیط آنان به دلیل خوف و ترس از مخاطرات احتمالی.

۲- تقیه اکراهی: عمل کردن به فرامین و دستوراتی که اجبارگری در آنها وجود دارد و فرد برای حفظ جان خود و دیگران از روی اکراه آنها را می‌پذیرد.

۳- تقیه کتمانی (پوششی): عبارت است از اینکه تقیه‌کننده حق و واقعیت را برای محافظت از خود و دیگران در برابر خطرهای کتمان نماید.

۴- تقیه مداراتی (تجیبی): حسن معاشرت و زندگی با اهل سنت و حضور در مجالس عمومی و عبادات آنان برای گسترش وحدت اسلامی (مطیع: ۱۳۹۲)؛ تقیه مداراتی، نوعی پنهان‌کاری اعتقادی برای جلب محبت و دوستی پیروان سایر مذاهب اسلامی تلقی می‌شود. آیه‌الله فاضل لنکرانی در این باره می‌نویسد: «هدف از تقیه مداراتی

حسن معاشرت و مدارات و جلب مودت و در نتیجه تحقق وحدت از یک طرف میان مسلمین با شرکت یکپارچه در شعائر و نماز جماعت و سایر مظاهر وحدت و در حقیقت حصول وحدت کلمه میان همه مسلمانان و عدم پراکندگی آنان، به خصوص در برابر کفار و دشمنان می باشد و از طرف دیگر پیروان مذاهب حق، مورد تعبیر و مذمت و خواری قرار نگیرند و با شرکت در جماعات، رفع هرگونه اتهام را از خود بنمایند و با الزام به شرکت در جماعات و مانند آن خود را از صف مسلمین جدا نکرده و دچار مخاطره نگردند، این قسم از تقیه مورد تأکید ائمه (ع) قرار گرفته و با تحریض و ترغیب، پیروان خویش را به رعایت آن وادار نموده اند (فاضل لنکرانی، ۱۳۶۵: ۱۷).

در تقسیم بندی دیگر تقیه به: تقیه فردی و تقیه سیاسی قابل دسته بندی است. تقیه فردی: آن است که در حالاتی خاص شرایطی به وجود آید که موجب شود انسان بر خلاف اعتقاد خود عمل کند، که به آن تقیه فردی و غیر سیاسی گویند، اما نوع دوم آن تقیه سیاسی یا تقیه در امور اجتماعی و سیاسی است. اعتقاد من این است که نود درصد روایاتی که ما در باب تقیه و اهمیت آن داریم، مربوط به تقیه سیاسی است. گرچه در کتب فقهی ما مذاقه و بحث انجام نشده است ولی در روایات اخلاقی از آن بحث شده است، مثل تقوا که به انواع تقوای سیاسی و فردی تقسیم می شود (فاضل هرندی، ۱۳۸۳: ۹۹).

مبانی فقهی تقیه: تقیه از این حیث که یک مقوله استثناء از یک حکم کلی است، به این معنا که اصل و اساس بر بیان واقعیت و نشان دادن هویت واقعی خود است، مگر در موارد خاص و ویژه ای که از باب قواعد فقهی استثناء پذیر باشد. عمده ترین قواعد فقهی که تقیه را به عنوان یک روش، برای برون رفت از یک، معضل یا شرایط و وضعیت خاص، مجاز و مباح می گرداند، عبارت اند از:

۱- توجیه تقیه با توسل به اصل و قاعده فقهی «الْأَهْمُ فَالْأَهْمُ»: قاعده «تَقْدِیمُ الْأَهْمِ عَلَى الْمُهْمِ»؛ به معنای اولویت دادن مهم تر بر مهم است که این یک اصل عقلانی محسوب می شود. در این قاعده در مقام تعارض دو مقوله مهم و مهمتر با مقایسه دو موضوع که دارای اهمیت است، موضوع و مسأله مهم ترجیح داده می شود و در مواردی که مسائلی برای انسان مسلمان یا یک سازمان و ساختار اسلامی پیش می آید و در یک دو راهی و انتخاب دو گزینه مختلف قرار می گیرند، تأکید شده است که مسأله مهم را

فدای مهمتر نمایندند. در مورد تقیه هم در برخی موارد، فاعل و کنشگر در مقام انتخاب دو مقوله مخیر است که یکی را برگزیند و طبعاً با مقایسه و بررسی اهمیت هر کدام، به انتخاب مقوله مهمتر دست می‌زند. این قاعده یک قاعده عقلانی و شرعی است که کاربرد بسیار وسیعی در زندگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان دارد.

۲- توجیه تقیه با تأکید بر اصل رازداری: رازداری و کتمان اسرار دارای مبانی عقلی و نقلی در آموزه‌های اسلامی است و امامان معصوم (ع)؛ در سیره اجتماعی و سیاسی خود از این روش به نحو شایان توجهی استفاده می‌کردند.

حضرت علی (ع) درباره اهمیت رازداری می‌فرماید: «هرکه راز خویش را پنهان دارد پیروزی در دستانش خواهد بود و اگر سخنی از دو نفر گذشت فاش خواهد شد» (مجلسی، ج ۷۵ : ۶۸). در داستان رؤیای حضرت یوسف صدیق (ع)؛ پدرش حضرت یعقوب نبی (ع)؛ می‌فرماید: «فرزندم، خواب خود را به برادرانت نگو که برایت نقشه خواهند کشید» (یوسف: ۵).

۳- توجیه تقیه بر اساس اصل مصلحت: مصلحت هم‌وزن منفعت است که در وجه مصدری‌اش به معنای صلاح و یکی از مصالح نیز به کار می‌رود (رمضان البوطی: ۲۷). قاعده مصلحت اصولاً در بستر فکری اهل سنت پدید آمده است و مصداق بارز آن را می‌توان در تأسیس نهاد «خلافت» در برابر «امامت»؛ پس از رحلت رسول خدا (ص) مشاهده کرد. مفهوم محوری این دیدگاه را «مصالح مرسله» تشکیل می‌دهد. و مصالح، به مصالح معتبر و غیر معتبر و مصالح مرسله، تقسیم‌بندی می‌شود. مصالح معتبر، دسته‌ای از مصلحت‌ها هستند که شارع به آن اشاره کرده و احکام مناسب با آنها نیز وضع شده است و این مصالح را مصلحت‌های عام در فقه اسلامی می‌توان بر شمرد که تمامی گروه‌ها و فریق اسلامی آن را پذیرفته‌اند و مصالح غیر معتبر مصالح لغو شده هستند که شارع به آنها، از باب نهی و نفی و نه اثبات، توجه دارد. اما مصالح مرسله به معنای مصلحت‌های رها شده هستند، به این معنا که از ناحیه شارع مقدس در اعتبار و عدم اعتبار آنها مطلبی نرسیده است. این نوع از مصالح را استاد شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، تحت عنوان «منطقه الفراغ»؛ ذکر کرده است (نک به: افتخاری، ۱۳۸۴: ۶۵). منطقه الفراغ از دیدگاه شهید صدر عبارت است از:

الف- موارد اباحه؛

ب- مواردی که حاکم از بابت ولایتش حق دارد در آن دخل و تصرف کند؛

پ- مواردی که از ناحیه قاعده «اهم و مهم» یا ضرورت‌های فوری احکام اولیه اجرا نمی‌شود (صدر، ۱۹۸۷: ۳۷۹).

منطقه الفراغ از دیدگاه شهید صدر، فارغ از حضور حکمی است و از این حیث اگرچه از تفاسیر سکولار، که در پی تفسیر منطقه الفراغ به منطقه‌ای کاملاً شخصی و در حد آزادی و اختیارات فردی هدفمند، فاصله می‌گیرد، اما تا حدودی به تفسیر و رویکرد اهل سنت نزدیک می‌شود که در آن مصلحت اندیشی‌های متعارف در دستور کار قرار دارد چرا که حکم صریح و ثابتی از ناحیه شارع وارد نشده است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۸۵).

ت- توجیه فقهی تقیه بر مبنای قاعده اکراه: اکراه وادارکردن یا وادارشدن فرد به انجام کار یا حرفی است که نسبت به آن کراهت دارد، این مورد در داستان عمار یاسر و شکنجه شدنش توسط مشرکان مکه مصداق عینی داشته است و او با اکراه اسلام و رابطه‌اش با رسول الله را نفی کرد در حالی که اکراه قلبی داشت. قاعده اکراه در حدود شرعی، در قصاص و دیات کاربرد گسترده‌ای دارد. برای مثال در اکراه بر قتل نفس و کشتن بی‌گناه، در صورتی که مکره تهدید به قتل شده باشد، حق کشتن ندارد و در صورت اقدام، قصاص شده و اکراه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود، زیرا قاعده اکراه قاعده امتنانی است و عدم مسئولیت مکره خلاف امتنان است و همان‌گونه که در روایات آمده است: «تقیه برای حفظ خون‌ها تشریح شده، پس اگر به حد ریختن خون برسد دیگر تقیه نیست» (ولایی، ۱۳۸۷: ۱۶۸). در مورد کاربرد تقیه نیز در برخی موارد فرد یا ساختار، تحت فشارهای دشمن و رقیب، مجبور به انجام اقدامی می‌شود که قلباً آن را نپذیرفته است، اما مجبور است به دلیل مصلحت بالاتری مانند حفاظت از جان خود و دیگران و مصالح دیگر، آن را انجام دهد یا آن شرایط را بپذیرد.

ث- توجیه فقهی تقیه از باب قاعده اضطرار: اضطرار در فقه دامنه‌اش گسترده است و از طهارت گرفته تا دیات کاربرد دارد. اضطرار در لغت به معنای محتاج بودن به چیزی است یا این که بگوییم اضطرار احتیاج واجب است (قبله‌ای خویی، ۱۳۸۰: ۳۹).

برخی فقها برای اضطرار، تلف و هلاکت نفس را حد و مرز، قرار داده و فرموده‌اند: مضطر کسی است که اگر نخورد می‌میرد. فقهای اهل سنت نیز به این نظریه فتوا داده‌اند (قبله‌ای خویی، ۱۳۸۰: ۳۴). در برخی از موارد، بهره‌گیری از «تقیه» از باب اضطرار و ناچاری است و سازمان یا فرد به دلیل مضطر شدن، دست به اقدامات و اعمالی از سر ناچاری می‌زنند، مانند (اکل میت) در شرایطی که بیم مرگ انسان را فرا گرفته است و در بسیاری دیگر از موارد، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز احتمال وقوع حوادث و پیدایش وضعیت‌هایی وجود دارد که از باب اضطرار و مجبور بودن بایستی، تصمیماتی گرفت و اقداماتی انجام داد که در شرایط عادی و مطلوب انجام نمی‌شد.

تقیه در سیره ائمه معصومین علیهم السلام: مطالعات نشان می‌دهد که «اصل تقیه» کاربرد گسترده‌ای در سیره اجتماعی و سیاسی حضرات ائمه معصومین علیهم السلام، به‌ویژه در دوران حکومت‌های جابر و ظالم به‌ظاهر اسلامی در دوران خلفای بنی‌عباس، داشته است. چراکه در این دوره ائمه معصومین (ع) به شدت تحت تعقیب، مراقبت و اقدامات جاسوسی مأموران بنی‌عباس بودند و پیروان آنان نیز تحت تعقیب و شکنجه و قتل قرار می‌گرفتند. در سخنان و محاورات ائمه علیهم السلام با خلفای جور، تقیه و روش‌های عملی آن به وضوح مشاهده می‌شود که همگی نشان‌دهنده یک جوّ اطلاعاتی حاکم بر شیعه و دلیلی بر تربیت سیاسی و اطلاعاتی شیعه می‌باشد و از لابلای تاریخ، با اسم‌های رمزی که شیعه به‌کار می‌برد، وجود یک دستگاه اطلاعاتی بسیار قوی به‌نظر می‌آید، به‌طوری که حاکمان و خلفای جور نمی‌توانستند از ائمه مدرک جرمی به‌دست بیاورند در حالی که وجود ائمه برای آنان خطرات زیادی داشت و به‌همین دلیل در این دوران اغلب امامان شیعه (ع) توسط خلفای بنی‌عباس به طرز مشکوک و با روش‌های پیچیده، مظلومانه به شهادت رسیده‌اند.

امام باقر (ع) در رابطه با تقیه می‌فرماید: «تقیه در مورد ضرورت لازم است و هر شخصی خود مورد تقیه را، هنگامی که با ضرورت و اضطرار مواجه می‌شود بهتر تشخیص می‌دهد» (شیخ صدوق). و در جای دیگر می‌فرماید: «تقیه در هر چیزی که فرزندان آدم به آن ناچار هستند وجود دارد و خدا آن را بر او حلال کرده است» (مجلسی، ج ۷۲: ۳۹۴). امام صادق (ع) در اهمیت تقیه می‌فرماید: «تقیه آیین من و

آیین پدران من است و کسی که تقیه پیشه نکند دین ندارد و تقیه سپر الهی در آخرت است، زیرا مؤمن حاضر در دربار فرعون، اگر اسلام خویش را پنهان نمی‌ساخت، (در داستان حضرت موسی)؛ حتماً کشته می‌شد.

امام حسن عسگری (ع)؛ که در دوره خفقان حاکمیت بنی‌عباس و در دوران سه خلیفه عباسی به نام‌های متعز، مهتدی و معتمد، زندگی می‌کردند، اغلب ایام در پادگان‌ها و میان لشکریان تحت نظارت و مراقبت مأموران و جاسوسان بودند و به همین دلیل، ظریف‌ترین و هوشمندانه‌ترین ترفندهای اطلاعاتی و حفاظتی را برای مصون‌سازی خود و شیعیان به کارگیری می‌کردند و در همین رابطه به آگاه‌سازی حفاظتی شیعیان توجه مخصوصی داشتند و مکرر آنان را به تقیه توصیه می‌نمودند.

برای مثال در روایت قاسم هروی آمده است که حضرت در پاسخ نامه فردی از بنی‌اسباط در مورد شناسایی افراد به وی می‌فرماید: «متوجه کسانی باش که رعایت آنها را در اختیار تو گذاشته‌اند، مبدا مطلب را آشکار کنی و جوایب ریاست شوی که این دو کار موجب هلاکت می‌شود در نامه خود نوشته‌ای که تصمیم‌داری به فارس بروی، برو خدا برایت خیر پیش آورد انشاءالله به سلامت وارد شهر خواهی شد. به دوستان ما که اطمینان به آنها داری سلام مرا برسان. به ایشان بگو تقوی و پرهیزکاری پیشه گیرند و در امانت خیانت نورزند و بگو هرکس موجب افشای امر ما شود مثل این است که با ما به جنگ پرداخته است (مجلسی، ج ۵۰: ۲۹۷). نکته شایان توجه در همین دوران مخفی ماندن تولد حضرت امام زمان (عج)؛ فرزند بزرگوار امام حسن عسگری (ع) می‌باشد که مأموران و جاسوسان خلیفه عباسی به دنبال دستگیری آن حضرت بودند.

کارکردهای تقیه در فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی: فعالیت‌های سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و همچنین مأموران آنها، در جهان‌بینی توحیدی اسلام، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که مهمترین آنها ضرورت رعایت حکمت (ارزش‌ها و اخلاق و مصالح حقیقی و ذاتی) و همچنین رعایت قواعد، احکام و حدود شرعی و فقهی در آنها به‌منظور مصون ماندن مأموران سازمان‌های اطلاعاتی از ظلم به خود و دیگران و همچنین ظلم به خدای تعالی می‌باشد. در یک نظام سیاسی توحیدی رسیدن به اهداف از هر مسیر و با استفاده از هر ابزاری میسر نمی‌باشد، یعنی اینکه هدف وسیله را توجیه

نمی‌کند و برای رسیدن به یک هدف بایستی از ابزارها و روش‌های شرعی و عقلانی بهره‌گیری شود و نمی‌توان از ابزارها و روش‌های غیر شرعی و حرام استفاده کرد. در اینجا قبل از پرداختن به مقوله کارکردهای «تقیه»؛ در سازمان‌های اطلاعاتی، ضروری است به اصل کلانی، تحت عنوان «برخوردها یا کنش‌ها و واکنش‌های اطلاعاتی»؛ مطالبی گفته شود که اقدامات عملی سازمان‌ها و مأموران اطلاعاتی، در حوزه فعالیت‌های اطلاعاتی سیاسی را در بر می‌گیرد، تا در پرتو آن چارچوب‌های بحث، تبلور عینی پیدا کند.

برخوردهای اطلاعاتی (کنش‌ها و واکنش‌های اطلاعاتی): منظور از برخوردهای اطلاعاتی، منظومه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها (رفتارها) و برخوردهایی است که با هدف نیل به مقاصد اطلاعاتی و سیاسی صورت می‌گیرد، این رفتارها دارای ویژگی‌های زیر است:

اول: برخوردهای اطلاعاتی اسلام یا مبتنی بر یک واقعیت و حقیقت می‌باشند یا خودشان واقعیتی جدید هستند، برخلاف برخوردهای اطلاعاتی سایر مکاتب سیاسی که در آنها تعهدی به واقعیت‌ها و حقایق وجود ندارد. (برای مثال تعهدی نسبت به حدود و ارزش‌های اخلاقی وجود ندارد).

دوم: برخورد اطلاعاتی باید دارای یک هدف مشخص اطلاعاتی و سیاسی باشد.

سوم: هدف‌های اطلاعاتی و سیاسی باید ضروری و حقیقی باشند، منظور از ضروری و حقیقی بودن این است که هدف مورد نظر برای کارهای سیاسی و اطلاعاتی واقعاً مورد نیاز و تعیین‌کننده و لااقل مؤثر باشد.

چهارم: برخوردهای اطلاعاتی اسلام باید مبتنی بر قواعد تأثیر و تأثر قطعی باشد چه به مرحله تأثیر برسند و چه نرسند.

پنجم: برخورد شونده باید صلاحیت برخورد مزبور را از نظر شرعی داشته باشد.

ششم: برخوردهای اطلاعاتی، که باتوجه به شرایط بالا تنظیم می‌شوند، باید مطابق فقه اسلامی و فتوای مراجع (ولی فقیه) باشند و در غیر این صورت از اعتبار ساقط بوده و مورد تأیید نخواهند بود (حسینی، ۱۳۶۷: ۱۶۴).

تقسیم بندی برخوردهای اطلاعاتی: کنش‌ها و واکنش‌های اطلاعاتی در یک تقسیم‌بندی به لحاظ زمانی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

اول: برخوردها و کنش‌ها و واکنش‌های اطلاعاتی مقطعی؛
دوم: برخوردهای اطلاعاتی دائمی.

منظور از برخوردهای اطلاعاتی مقطعی، مواجهات و برخوردهایی است که در زمان و مکان و شرایط اطلاعاتی و سیاسی خاصی به‌کار می‌روند. مثل مشغول کردن نیروهای دشمن، استفاده از محرک‌های روانی لحظه‌ای و غیره و منظور از برخوردهای اطلاعاتی دائمی، برخوردها و کنش‌ها و واکنش‌های عمومی هستند که محدود به زمان، مکان و شرایط خاصی نیستند و به‌عنوان سیاست‌های دائمی تلقی می‌شوند که آثار اطلاعاتی مخصوص به خود را دارند. به‌عنوان مثال دو اصل «تولی و تبری»؛ که در سیاست‌های دائمی اسلامی هستند، دارای آثار حفاظت اطلاعاتی فراوانی می‌باشند و برای جلوگیری از نفوذ دشمن و نرسیدن اطلاعات داخلی به‌دست دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرند یا سوءظن مؤمنان به دشمن و منافقان یک برخورد اطلاعاتی دائمی می‌باشد و حسن‌ظن به مؤمن هم برخورد اطلاعاتی دائمی است که موجب جلب همکاری بیشتر آنان در زمینه‌های اطلاعاتی می‌شود (حسینی، ۱۳۶۷: ۱۶۴).

تقیه، به‌مثابه یک ترفند و سازوکار ارزشمند در بسیاری از فعالیت‌های اطلاعاتی، امنیتی و نظامی دارای کاربردهای گسترده‌ای است. امعان نظر در ماهیت فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی و همچنین حفاظتی حاکی از این واقعیت بسیار مهم است که ماهیتاً این مأموریت‌ها و وظایف آمیخته به خطر، تهدیدات و آسیب‌های جانی، مالی، آبرو و حیثیت و... بوده دارای سختی خاصی هستند که همین خصوصیات چالش‌های فراوانی را در حوزه‌های مختلف از جمله مسائل شرعی و فقهی فراروی سازمان و مأموران اطلاعاتی قرار می‌دهد و آنان را دچار عُسر و حَرَج، اضطراب و مصلحت‌جویی‌های خاصی می‌نماید؛ بنابراین، ضرورت شناخت کارکرد و ترفندهای «تقیه»؛ سامانه‌ها و سازمان‌های اطلاعاتی و مأموران آنها را ملزم می‌کند تا بتوانند در ضرورت‌ها و الزام‌ها پدید آمده در حین مأموریت‌ها و اجرای عملیات گوناگون از آن استفاده نمایند. همچنین «ماهیت تقیه» نشان می‌دهد که در فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی، جنس و ماهیت «تقیه» ماهیتی «غیرمداراتی»، «خوفی»، «اکراهی» و «کتمانی» است و کارکردهای

آن از یک نظر، به کارکردهای تدافعی، احتیاطی و به نوعی انفعالی و همچنین کارکردهای تهاجمی و فعال به شرح زیر قابل تقسیم بندی است:

۱- کارکردهای انفعالی در شرایط و مقتضیات تدافعی: منظور این است که سازمان و مأموران اطلاعاتی در رابطه با فعالیتهای رقیب و دشمن که امنیت آنان یا نظام سیاسی مربوط را مورد تهدید قرار داده است، برای برون رفت از مشکلات و غلبه بر تهدیدات دشمن از این ترفند بهره گیری می نماید، که برخی از مصادیق آن عبارت اند از:

- تظاهر به یک هویت و شخصیت غیر واقعی و کاذب برای مصون ماندن مأموران از تهدیدهای جانی، اطلاعاتی و امثال آن؛
- تظاهر به یک هویت غیر واقعی برای جلب اعتماد و مصون سازی موقعیت و شرایط پیش آمده در رقابت و مبارزه با رقیب و دشمن؛
- کتمان و مخفی سازی اطلاعات با توسل به فریب رقیب و دشمن در صحنه فعالیت های اطلاعاتی و دادن اطلاعات و اخبار تحریف شده و غلط برای منحرف کردن دشمنان؛

- شناسایی عوامل و عناصر نفوذی دشمن در سازمان های اطلاعاتی خودی؛
- خنثی سازی فعالیتهای عناصر نفوذی رقیب و دشمنان که در صدد جاسوسی از کشور و دسترسی به اطلاعات طبقه بندی شده و محرمانه هستند.

۲- کارکردهای تهاجمی و فعال: منظور از این گونه اقدام ها، کلیه برنامه ریزی ها و سازماندهی هایی است که برای مقابله با فعالیتهای امنیتی و اطلاعاتی رقیبان و دشمنان در سطوح مختلف به شرح زیر انجام می گیرد:

- نفوذ در سازمان ها و ساختارهای اطلاعاتی و ارزشمند رقیبان و دشمنان برای کسب و جمع آوری اخبار و شناسایی توانایی ها و ظرفیت ها و همچنین شناسایی نقاط ضعف و آسیب پذیری های آنان در ابعاد گوناگون و همچنین سایر اقدامات برای تأمین منافع جبهه حق با بهره گیری از ترفند تقیه. برای مثال نفوذ (علی ابن یقظین)؛ از شیعیان امام صادق (ع) در دربار و کاخ قدرت هارون الرشید عباسی برای گره گشایی از مشکلات شیعیان و...؛

- فعالیت در قالب پوشش‌های اطلاعاتی مانند: پوشش‌های تجاری، بازرگانی، خبرنگاری و دیپلماتیک؛
- ایجاد جنگ روانی از طریق شایعه‌پراکنی در مورد رقیبان و دشمنان برای تضعیف موقعیت آنان؛
- ایجاد شکاف میان صفوف متحد دشمنان و تضعیف آنان از طریق اختلاف‌افکنی میان آنان، به اشکال مختلف و ممکن.

تقیه را از بُعد دیگر می‌توان سازوکاری برای حفظ اسرار خودی در یک نظام سیاسی و سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی و مکان‌ها و حوزه‌های دارای طبقه‌بندی، به‌منظور مصون ماندن از خطرهای تهدیدهای احتمالی دشمن احتمالی، تلقی کرد. تقیه در این شرایط آثار و نتایج زیر را به‌دنبال خواهد داشت:

۱- پیشگیری از خطرهای احتمالی: برای مثال: داستان فردی که در دربار فرعون با کتمان ایمان خویش توانست از قتل حضرت موسی(ع) توسط فرعون ممانعت و پیشگیری به‌عمل آورد(غافر: ۳۸).

۲- موفقیت در پیشبرد اهداف و امور: در این باره «شعر حکیمانه مولانا»؛ شایان توجه است:

خانه اسرار تو چون دل شود	آن مرادت زودتر حاصل شود
گفت پیغمبر که هر سِرْ نهفت	زود گردد با مراد خویش، جُفت
دانه چون اندر زمین پنهان شود	سِرْ او سرسبزی بسـتان شود
زر و نقره گر نبودندی نهان	پرورش کی یافتندی زیرِ کان

(مولانا، مثنوی معنوی، دفتر اول)

- قدرت انتخاب: حضرت علی(ع) می‌فرماید: «هرکه رازهای خود را بیوشاند قدرت انتخاب در دست او خواهد بود(نهج‌البلاغه، حکمت).

- حفظ اسرار و عیوب خویش، کتمان واقعیت‌های خودی حسب ضرورت سبب مصون ماندن از دسترسی دشمن به اسرار و عیوب فردی وساختارهای اطلاعاتی خودی خواهد بود(نک: به، مظفری: ۱۳۸۸).

تقیه در موارد جنگ با دشمنان نیز کارکردهای ارزشمندی دارد و مأموران اطلاعاتی و رزمندگان نفوذی می‌توانند در جناح و صفوف دشمن رخنه کرده و با استفاده از تقیه و پنهانکاری زمینه‌های ضربه زدن به دشمن و فراهم آوردن وضعیت شکست را تسریع بخشند. نکته دیگری که در این مجال می‌توان به آن اشاره کرد این است که، تقیه کردن در محتوای خود نوعی توسل به دروغ است و دروغ در آموزه‌های اخلاقی و همچنین فقه اسلامی به شدت مورد نکوهش شارع مقدس و بزرگان دین قرار گرفته است، اما همین صفت و کار ناپسند و مذموم در برخی موارد تحت شرایطی خاص جواز شمرده شده است و در شرع اسلام مواردی از کذب و دروغ استثناء شده است، مانند موارد زیر:

- ۱- چاره بکارگیری کید و مکر در جنگ‌ها؛
- ۲- در مواردی که بایستی شرّ ظالمان را از سرّ مسلمانان و جامعه اسلامی دفع کرد؛
- ۳- در مواردی که کارها نیازمند اصلاح می‌باشد؛
- ۵- در مورد حل اختلاف و تعارض در میان مسلمانان و برادران دینی؛
- ۶- در موردی که وعده‌ای کلی به خانواده داده، اما قصدش عمل به آن نبوده است؛
- ۷- سخن و وعده مرد با همسرش؛
- ۸- سخن و وعده زن به همسرش.

مجموع این عبارات در سه دسته قابل جمع است: ۱- دروغ در جنگ ۲- دروغ برای اصلاح ۳- دروغ با اهل و خانواده؛ بنابراین، اگر در مواردی راستگویی و صداقت منجر به فساد یا تهدیدهایی برای مال و جان و امنیت نظام سیاسی و کشور و امثال آن گردد، دروغ گفتن اشکالی ندارد و ترفند تقیه به‌عنوان یک روش قابل اعتنا در چارچوب قواعد فقهی و شرعی می‌تواند کاربردهای ارزنده‌ای در برون‌رفت از مسائل و مشکلات ناشی از چالش‌های فعالیت‌های اطلاعاتی و سیاسی و رسیدن به اهداف فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی داشته و نظام اطلاعاتی و مأموران آنها را، در فرآیند انجام بهینه مأموریت‌های خطیر خود، مدد رسانی نماید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: تقیه در آموزه‌های اسلامی در قالب یک منظومه مرتبط با قواعد فقهی و شرعی قابل بررسی است و در ارتباط نزدیکی با قواعدی مانند: *أَلْأَهَمُّ فَالْمُهَمُّ*، توریه، رازداری و کتمان سِرِّ، اکراه، اضطرار و مصلحت می‌باشد. تقیه در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی کاربردهای اثربخشی می‌تواند داشته باشد و در این نوشتار محقق تلاش کرده، با نگاهی به متون منابع اسلامی، مستندات پیرامون مفهوم شناسی تقیه، زیربنای فقهی مبتنی بر قواعد فقه و همچنین برخی کارکردهای آن در رابطه با اقدامات و فعالیت‌های اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی در سازمان‌ها و نهادهای مرتبط را تبیین نماید. مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. تقیه ترفندی مبتنی بر توسل به غیر واقعیت، مختص به حفظ جان در برابر مخالفان است؛
۲. تقیه از باب مقدمه برای اتیان واجب (حفظ واجب)؛ در برخی موارد وجوب پیدا می‌کند؛
۳. تقیه در امور اطلاعاتی عمدتاً بر مبنای تقیه خوفی، اکراهی و کتمانی کاربرد وسیعی می‌تواند داشته باشد و سازمان‌ها و ساختارهای اطلاعاتی و امنیتی می‌توانند از این سازوکار حسب مورد بهره‌برداری نمایند؛
۴. تقیه و کاربردهای آن، بر مبنای قواعد فقهی و شرعی، نیازمند معرفت و شناخت دقیق برای مأموران اطلاعاتی می‌باشد؛
۵. تقیه می‌تواند کنشی، پویا و تهاجمی بوده یا ممکن است جنبه واکنشی و تدافعی داشته است.

منابع

احمدی میانجی، میرزا علی (۱۳۸۱)؛ اطلاعات و تحقیقات در اسلام: تهران، نشر دادگستر.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)؛ مصلحت و سیاست رویکردی اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

امام خمینی، روح الله الموسوی (۱۳۷۲ ه. قمری)؛ رساله فی التقیه، قم. البوطی، محمد سعید، رمضان - بیتا، ضوابط المصلحه فی الشریعه الاسلامیه، سوریا، الدارامتحده للطباعه والنشر.

حسینی، سعید (۱۳۶۷)، تربیت سیاسی اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر. دعموش العالمی، علی (۱۳۷۹)؛ دایره المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی ترجمه: غلامحسین باقری مهباری، رضا گرمابدی: تهران انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

رضوان طلب، محمدرضا (۱۳۸۶)؛ اطلاعات در اسلام، قم: انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۹)؛ تقیه در شرایع پیشین و اسلام، مجله تخصصی کلام اسلامی. شبدینی، محمد و همکاران (۱۳۹۲)؛ سیره حفاظتی و اطلاعاتی امامان معصوم (ع) قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱)؛ فقه سیاسی اسلام.

صدر، سید محمد باقر (۱۹۸۷)؛ اقتصادنا، بی جا، دارالتعارف.

صدوق، محمد ابن علی (۱۳۶۳)؛ من لاحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامیه.

- عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه. انتشارات مؤسسه آل‌البیت (ع).
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۶۵)؛ تقیه مداراتی زمینه‌ساز وحدت اسلامی، بی‌جا.
- فاضل هرندی، محی‌الدین (۱۳۸۳)؛ تقیه سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۵ بهار ۸۳.
- قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۰)؛ قواعد فقه (بخش جزاء)؛ تهران: سمت.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مطیع، حسین (۱۳۹۲)؛ تقیه در قرآن و نقش آن در انسجام اسلامی، نشریه کوثر.
- مظفری، علی (۱۳۸۸)؛ رازداری با نگاهی به متون اسلامی و ادب پارسی، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۸.
- مکی عاملی، محمد (شهید اول)؛ بی‌تا، القواعد و الفوائد ج ۲.
- موسوی، سید یعقوب، بی‌تا، مبانی فقهی تقیه مداراتی، سایت مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۳)؛ مثنوی معنوی، به‌کوشش توفیق، سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷)؛ قواعد فقهی، قم: انتشارات دارالفکر.